

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مناظره‌هایی در باب علم دینی

با حضور

دکتر علی پایا، دکتر علیرضا صادقزاده، دکتر جمیله علم‌الهدی،
دکتر مهدی علیپور، دکتر حاتم قادری، دکتر مهدی گلشنی،
استاد مصطفی ملکیان، حجه‌الاسلام سید مهدی میرباقری
حجه‌الاسلام سید عباس نبوی، حجه‌الاسلام احمد واعظی

به کوشش

دکتر خسرو باقری

(استاد دانشگاه تهران)



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تهران، ۱۳۹۱

سرشناسه: باقری، خسرو، ۱۳۳۶ -
عنوان و نام پدیدآور: مناظره‌هایی در باب علم دینی / به کوشش خسرو باقری .
مشخصات نشر: تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۱.
مشخصات ظاهری: ۲۳۸ ص.
شابک: 978-964-426-585-3
وضعیت فهرست نویسی: فیپا
موضوع: باقری، خسرو، ۱۳۳۶ - . هویت علم دینی -- نقد و تفسیر
موضوع: علم و دین -- مناظره‌ها
موضوع: اسلام و علوم -- مناظره‌ها
شناسه افزوده: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رده بندی کنگره: ۱۳۹۱ م۲ب/۳/۴ BL۲۴۰
رده بندی دیویی: ۲۱۵
شماره کتابشناسی ملی: ۲۷۲۷۱۴۴



مناظره‌هایی در باب علم دینی

به کوشش: دکتر خسرو باقری
ویراستار: مهرانوش اکبر خانزاده
ناشر: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مدیر نشر: ناصر زعفرانچی
ناظر چاپ: مجید اسماعیلی‌زارع
نسخه‌پرداز: فرزانه صادقیان
آماده سازی: عرفان بهار دوست
حروف‌نگار و صفحه‌آرا: شبنم اسماعیلی
طرح و اجرای روی جلد: عطا... کاویانی
چاپ اول: ۱۳۹۱
تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه
چاپ و صحافی: فرشپوه
ردیف انتشار: ۹۱-۱۵
بها: ۷۲۰۰ تومان

حق چاپ برای پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی محفوظ است.

ISBN 978-964-426-585-3

شابک ۹۷۸-۹۶۴-۴۲۶-۵۸۵-۳

نشانی: تهران، صندوق پستی: ۱۴۱۵۵-۶۴۱۹، تلفن: ۸۸۰۴۶۸۹۱-۳، فاکس: ۸۸۰۳۶۳۱۷

فهرست مطالب

پیشگفتار.....	ز
مناظره اول: دانشگاه اسلامی.....	۱
مناظره دوم: امکان و چگونگی علم دینی.....	۹۳
مناظره سوم: نقد و بررسی کتاب هویت علم دینی.....	۱۰۹
مناظره چهارم: علوم دینی و ملاک دینی بودن آن.....	۱۸۹

پیشگفتار

آنچه در این مجموعه گرد آمده، حاصل گفتگوهای مجزایی در خصوص علم دینی است که طی دهه ۱۳۸۰ به انجام رسیده و اینجانب آنها را ویراسته‌ام و اکنون مناسب می‌بینم که به جامهٔ طبع آراسته شود. شمار قابل توجهی از استادان صاحب‌نظر در بحث علم دینی، در مجموعهٔ این گفتگوها حضور داشته‌اند و همین امر موجب شده است که این مجموعه، اثر ارزشمندی در این عرصه باشد و دیدگاه‌های مختلف را در برابر هم به نمایش بگذارد؛ دیدگاه‌هایی که اینجا و آنجا، در حالت انفرادی مطرح بوده‌اند، اما جلوه و جمالی را که در این گونه رویارویی با دیدگاه‌های رقیب می‌یابند، برخوردار نبوده‌اند.

گفتگوی نخست با حضور دکتر حاتم قادری، جناب آقای مصطفی ملکیان و حجه‌الاسلام سیدعباس نبوی، در سال ۱۳۸۰ و به همت جهاد دانشگاهی انجام شد که عنوان عام‌تر "دانشگاه اسلامی" را داشت. اما، با توجه به عنوان چنین دانشگاهی، معطوف به بحث از علم دینی شد. گفتگوی دوم با دکتر مهدی گلشنی، در واقع، شکل غیابی داشته و مجلهٔ حوزه و دانشگاه آن را با نام «اقتراح» به چاپ رسانده است. مناسب دیدم که این اقتراح نیز در مجموعهٔ حاضر قرار گیرد تا دیدگاه‌های بیشتری از دست اندرکاران بحث علم دینی مطرح شود. گفتگوی سوم با حضور دکتر علی پایا، دکتر علیرضا صادقزاده، دکتر جمیله علم‌الهدی، دکتر علیپور و حجه‌الاسلام احمد واعظی، به قصد نقد و بررسی کتاب *هویت علم دینی*

ح مناظره‌هایی در باب علم دینی

اینجانب و از سوی گروه تعلیم و تربیت دانشگاه تربیت مدرس در سال ۱۳۸۵ برگزار شد. گفتگوی چهارم، با حجه‌الاسلام سید مهدی میرباقری و به همت دفتر تبلیغات اسلامی خراسان رضوی، در فروردین ۱۳۸۹ در مشهد انجام شد.

تنوع دیدگاه‌ها دربارهٔ امکان و ماهیت علم دینی، که در این مجموعه بازتاب یافته، نشان می‌دهد که ابهام‌های فراوانی در این زمینه وجود دارد و همچنان نیاز است که این بحث مورد مذاقه قرار گیرد؛ ضمن اینکه شتاب‌زدگی در روی آوردن به علم دینی، بدون اعتنا به پیچیدگی‌های این بحث، بی‌تردید موجب خام‌اندیشی خواهد بود. فرصت گفتگو میان دیدگاه‌های مختلف، فرصتی مغتنم است که در این مجموعه فراهم آمده است و چنین گفتگوهایی در زمینهٔ علم دینی بسیار مورد نیاز جامعهٔ فکری ماست که متأسفانه به دلایل مختلف تحقق نمی‌یابد. اکنون که به همت صاحب‌نظران نامبرده، از سویی، و تلاش مؤسسه‌ها و سازمان‌های مرتبط، از سوی دیگر، چنین مجموعه‌ای فراهم آمده، باید مراتب سپاس خود را ابراز کنم و اظهار امیدواری نمایم که حاصل این بحث‌ها برای قشر تحصیل‌کرده و تصمیم‌گیران در سطح دانشگاه مفید افتد و زمینهٔ بحث‌های بیشتر و تصمیم‌گیری‌های خردمندانه‌تر را فراهم آورد. گفتنی است که نام شرکت‌کنندگان محترم در گفتگوها به ترتیب الفبایی تنظیم شده است.

خسرو باقری

شهریور ۱۳۹۰

مناظره اول

دانشگاه اسلامی

با حضور

دکتر خسرو باقری، دکتر حاتم قادری،

استاد مصطفی ملکیان، حجه الاسلام سیدعباس نبوی

قبادی: در ابتدای بحث، از استادان معظم، که ما را مورد لطف خود قرار دادند، تشکر و قدردانی می‌کنم. بحث دانشگاه اسلامی دو جنبه دارد؛ یک جنبه‌اش بحث‌های سیاسی یا ایدئولوژیکی است که بسیاری از افراد مطرح کرده‌اند، چه در مجلات و روزنامه‌ها و آثار دیگر و چه در مصاحبه‌هایی که برخی خلاصه‌هایش را برای استادان فرستاده‌ایم. این اگر چه این جنبه، بخشی از واقعیت است اما مورد نظر ما و هدف این پروژه نیست. ما می‌خواهیم ورای این بحث‌های سیاسی و ایدئولوژیکی که ممکن است بعضی افراد مطرح کنند - که البته در جای خودش لازم هم هست - به این موضوع بپردازیم. این بحثی است که جنبه نظری دارد که البته منحصر به ایران نیست و در بسیاری از کشورهای دیگر هم مطرح بوده است. این موضوع از دهه‌های قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ایران آغاز شده است و بحث‌هایی با عنوان "اسلامی شدن علم" و یا "اسلامی‌سازی معرفت" مطرح شده است و این‌طور نیست که ماهیت سیاسی و ایدئولوژیکی صرف داشته باشد. هدف این پروژه پرداختن به این قسمت از بحث است. از بُعد نظری، باز هم می‌توانیم بحث دانشگاه اسلامی را از دو جنبه پی بگیریم: یکی اینکه ببینیم مناسبات و روابط - مثلاً روابط متقابل استاد و دانشجو،

استاد و استاد، دانشجو و دانشجو - در دانشگاه چگونه است و بگوییم این روابط باید اسلامی بشود. بعضی از استادان بحثی را مطرح کرده‌اند و آن این است که آرمان‌هایی که دانشگاه برای آن ساخته می‌شود باید مورد نظر باشد، یعنی، توجه کنیم که جهت کلی دانشگاه چیست مثلاً اگر در جهت آرمان‌های اسلام باشد می‌توانیم صفت اسلامی به آن بدهیم و اگر در جهت آرمان‌هایی که اسلام می‌خواهد نباشد، نمی‌توانیم آن را دانشگاه اسلامی بنامیم. در اینجا هم باز دو نظر مطرح است: یکی اینکه آیا اسلامی شدن دانشگاه اصلاً امکان دارد یا خیر، و دوم اینکه آیا این امکان داشتن به معنای ضرورت داشتن و مطلوب بودن است؟ در این میز گرد ما نمی‌خواهیم بحث به این معطوف بشود. برای همین در آغاز و در این قسمت، بحث علم دینی یا بحث اسلامی شدن علم را مطرح می‌کنیم و می‌خواهیم استادان محترم به بحث در این زمینه بپردازند. دیدگاه‌هایی که ما چه از منابع مکتوب خوانده‌ایم و چه از مصاحبه‌ها استخراج کرده‌ایم از سه حالت خارج نیستند: برخی قائل‌اند به اینکه علم دینی امکان ندارد و لذا صحبت از مطلوبیتش هم اصلاً نمی‌تواند مطرح باشد. عده‌ای معتقدند که امکان دارد علم اسلامی به وجود بیاید اما به علل مختلف این کار مطلوبیت ندارد و علاوه بر آن مخرب هم هست. برخی دیگر هم عقیده دارند که علم دینی هم امکان دارد و هم مطلوبیت و هم ضرورت. در مصاحبه‌هایی که ما با استادان انجام داده‌ایم، آقای باقری و نبوی هر کدام از منظر و دیدگاه متفاوتی این بحث را مطرح کرده‌اند و قرار است آقای ملکیان و آقای قادری هم به مطالب ایشان پاسخ بدهند. در اینجا لازم است به یک مسئله بپردازیم و آن اینکه آنهایی که می‌گویند علم دینی امکان ندارد و یا ضرورت ندارد ما دنبال این باشیم که روابط و مناسبات را در دانشگاه‌ها

دانشگاه اسلامی ۵

اسلامی بکنیم و یا بخش شریعت‌اندیشی دین را در آنجا بیشتر از فضیلت-اندیشی و سایر وجهه‌های دین برجسته بکنیم، راجع به دانشگاه‌های موجود چه می‌گویند؟ آیا معتقدند که وضعیت دانشگاه‌های موجود مطلوب است؟ در اینجا دو نظر وجود دارد: یک نظر این است که دانشگاه‌های موجود مطلوب‌اند و یک نظر دیگر این است که مطلوب نیستند. اما اینکه چه طور بخواهیم آن را اصلاح بکنیم باز هم دیدگاه‌ها فرق می‌کند. یک دیدگاه می‌گوید که علم باید همان علم سکولار باقی بماند، منتها چند نکته را در کنار متون درسی به دانشجویان تفهیم کنیم یا جنبه‌های اخلاقی و اعتقادی آنها را تقویت کنیم؟ یعنی، به دانشگاه معنوی بیشتر اعتقاد دارند تا دانشگاه اسلامی. آقای ملکیان همان‌طور که استادان دیگر اطلاع دارند و جزوه‌های ایشان را خوانده‌اند، چنین نظری دارند. دیدگاه دیگری هم می‌گوید که دانشگاه‌ها اسلامی شدن نیستند. این مفهوم اساساً یک مفهوم متناقض-نماست. دانشگاه‌های موجود اگر ضعف‌هایی هم دارند، به نسبت خوب هستند. این ضعف‌ها به این سبب است که دانشگاه‌های موجود با الگوی دانشگاه‌های مدرن، که امتحان موفق پس داده‌اند، هنوز مطابقت کامل ندارند و باید ببینیم در چه جهتی می‌توانیم آنها را مطابقت بدهیم. اینک بحث را با ضرورت و امکان و مطلوبیت "علم دینی" دانشگاه‌ها شروع می‌کنیم و از آقای باقری می‌خواهیم که بحث را شروع کنند.

باقری: بسم الله الرحمن الرحيم. سؤال این بود که اساساً آیا علم دینی امکان دارد یا نه. من فکر می‌کنم که پیش از این و یا همراه با این باید به موضوع دیگری بپردازیم و آن این است که اساساً منظورمان از علم دینی چیست. در سؤال شما این پیش‌فرض می‌تواند نهفته باشد که علم دینی تعریف مشخصی دارد و یک موضوع واحدی است که بعضی‌ها می‌گویند

ممکن است. اما من فکر می‌کنم که این‌طور نیست و در واقع خود مفهوم علم دینی نیازمند تبیین است و وقتی تبیین شد در بعضی از حالاتش امر ممتنعی خواهد بود و در بعضی از حالاتش ممکن است امر مطلوبی باشد و امکان‌پذیر هم باشد. بنابراین، من اگر بخواهم از امکان علم دینی دفاع کنم، چون خودم منکر این هستم که علم دینی در بعضی از حالات آن ممکن باشد، پس معتقدم باید اول حالات مختلف علم دینی را تبیین کنیم. من فقط در یکی از حالات اعتقاد دارم که علم دینی مفهوم روشنی دارد و دفاع‌پذیر است و به تعبیر شما امر ممکن است. در سایر حالات، این امر یا ممکن نیست یا اگر هم ممکن باشد دارای بقا و استواری نیست. فی‌الجمله می‌توانم به این اشاره کنم که دست‌کم سه مفهوم از علم دینی وجود دارد که برخی در این راه‌ها رفته‌اند و احتمالاً کتاب هم نوشته‌اند و کار هم کرده‌اند ولی این سه تا حالت از همان حالات نامطلوب یا ناممکن است.

معنای اول: گاهی گفته می‌شود علم دینی چیز ممکن و مطلوبی است و منظورشان هم این است که تمام دستاوردها و نتایجی را که علوم جدید، اعم از علوم طبیعی و علوم انسانی - اجتماعی، مدعی آن هستند از منابع دینی استخراج و عرضه نماییم. منظور از علم دینی در این مباحث، علم به معنای امروزی آن است، نه علوم دینی به معنای مصطلح آن، که شامل فقه و کلام و علوم از این قبیل می‌شود. این یک معنا از علم دینی است که من، منکر موجه بودن این معنی هستم و به اختصار عرض می‌کنم که به این دلیل که فکر نمی‌کنم دین خودش را ملزم کرده باشد که به همه سؤال‌های عالمان پاسخ بدهد. زیرا عالمان دنبال سؤالات بسیاری می‌گردند، ولی دین، همان‌طور که متون دینی ما نشان می‌دهد، متعرض آنها نشده و گاهی به آنها فقط اشاره‌ای کرده و بیش از آن چیزی نگفته است.

به هر حال، این تصور خودش بر تصور معیوبی از دین استوار است. این تصور که دین باید دایرةالمعارف باشد و همه چیز را در خودش داشته باشد و بتواند به هر سؤالی پاسخ بدهد. من فکر می‌کنم این امر ممکن نیست.

برداشت دوم یا مفهوم دوم از علم دینی: برخلاف مفهوم اول که در آن تصور بر این است که ما رأساً و شاید از ابتدا می‌توانیم با تفحص در متون دینی، علوم را استخراج نماییم، دیدگاه دوم یا معنای دوم کمی تخفیف می‌یابد، به این صورت که اول باید علوم مطرح شده باشند و راه‌هایی را رفته باشند، مثل روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و سایر علوم، آنگاه ما با توجه به چیزهایی که اینها می‌گویند همان ما به ازاءهایش را در متون دینی بتوانیم پیدا کنیم. در اینجا یک نوع تقدیمی برای علوم لحاظ شده، یعنی گویا، اگر اینها نمی‌بودند ما هم متوجه نمی‌شدیم که دین اینها را دارد، ولی حالا که علوم مطرح کرده‌اند ما می‌توانیم در منابع دینی در پی آن باشیم و همان‌ها را پیدا کنیم و نشان بدهیم یک نوع موازات در اینجا میان علم و دین لحاظ شده است و در نهایت اگر کتابی در باب علوم دینی نوشته بشود، در این شکل، کتابی خواهد بود که یک پایش در علوم روز است و یک پایش در متون دینی. لذا مرتب این‌ها به هم عرضه می‌شود و نشان داده می‌شود که آنچه را فلان دانشمند گفته ما هم در فلان آیه یا روایت مشاهده می‌کنیم. از این نمونه کتاب‌ها الان موجود است. مثلاً، بعضی‌ها آمده‌اند یک نظریه‌ای را در روان‌شناسی یا جامعه‌شناسی مطرح کرده‌اند، بعد با اشاره به نتایج آن نظریه‌ها، اشاراتی هم به متون دینی شده که ما هم اینها را داریم. در واقع، یک نوع التقاط‌گرایی در این تلاش وجود دارد و غالباً هم نتیجه آن، نادیده گرفتن تفاوت‌های مبنايي است میان آنچه که تئوری‌های علمی ارائه کرده‌اند و آنچه که در متون دینی مطرح شده است.